

مخاطبه با کلام الله؛ الگوی تعامل با قرآن در بیان معصومین(ع)

حسین رحمانی زاده*

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۳

حسین مرادی زنجانی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱۷

محمد حسین صائنی***

فرهاد ادیسی****

چکیده

قرآن دارای ماهیت ویژه زبانی است که در سراسر آن با تعدد متکلم و مخاطب و به بیانی دیگر با چرخش و شکست مخاطب مواجه هستیم. سنت و الگوی «مخاطبه با کلام الله» حاکی از همین ویژگی زبانی است که در سیره معصومین(ع) متجلی بوده است. معصومین(ع) به هنگام قرائت، ارتباط دو سویه با قرآن برقرار کرده و در مقام گفت و گو و دیالوگ با قرآن، عباراتی را بیان می کردند. به عنوان مثال امیرالمؤمنین(ع) پس از تلاوت آیه ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ می فرمودند: «سبحان ربی الأعلى». این پژوهش با بررسی سیر تاریخی و استخراج و گونه شناسی چنین گزاره هایی، سعی دارد به الگویی جامع و مستند به سیره ائمه معصومین(ع) در تعامل با قرآن دست یابد. در این تحقیق که با روش تحلیلی- توصیفی انجام شده است، مشخص می شود، مخاطبه های اهل بیت(ع)، با قرآن گاه کلامی بود و گاه غیر کلامی. مخاطبه های کلامی ایشان نیز گاه برگرفته از عبارات قرآنی بود و گاه بدون استفاده از آن ها.

کلیدواژگان: خطاب، مخاطبه، زبان قرآن، کلام الله، تفاسیر.

* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشکده علوم انسانی و هنر، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان. ایران.

** استادیار گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشکده علوم انسانی و هنر، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان. ایران.

hmoradiz@yahoo.com

*** استادیار گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشکده علوم انسانی و هنر، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان. ایران.

**** دانشیار گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشکده علوم انسانی و هنر، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان. ایران.

نویسنده مسئول: حسین مرادی زنجانی

مقدمه

یکی از جنبه‌های مهم در سیره قرآنی معصومین(ع) که در طول تاریخ آنچنان که باید به آن پرداخته نشده است، کیفیت تعامل و ارتباط آن حضرات با آیات و سور قرآن کریم است که با تتبع در منابع روایی می‌توان تصویری روشن از این الگو ترسیم کرد. از آن جمله می‌توان به سنت و الگویی در سیره ائمه اطهار(ع) اشاره کرد که در حین قرائت قرآن کریم خود را مخاطب آیات دانسته و گاه در میان تلاوت و یا در پایان آن، عباراتی را در مقام مخاطب و گفت‌وگو با کلام الله بیان می‌کردند. به عنوان مثال نقل است که امام رضا(ع) فرموده‌اند: پس از قرائت آیه «*أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ*» (تین/۸) بگوییم «*وَنَحْنُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ*» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۳/۲). یعنی وقتی گوینده سخن که خداوند متعال است، می‌پرسد «آیا خداوند حاکم‌ترین حاکمان نیست؟»، شایسته است که ما خود را مخاطب این سخن بدانیم و در پاسخ به این سؤال بگوییم: «بله و ما بر این امر شاهدیم». در واقع در سیره پیشوایان دین، قرآن تنها یک متن مکتوب مقدس نیست که صرفاً جنبه تاریخی داشته باشد. بلکه متنی زنده و گویا است و ماهیتی پویا و خواندنی دارد. بر همین مبنا/امام باقر(ع) در حدیثی می‌فرمایند: «*انَّ الْقُرْآنَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ*» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۰۴/۲).

از همان آغازین روزهای نزول، این ماهیت زبانی ویژه قرآن، زمینه چنین تعاملی را با قرآن ممکن ساخت و پیامبر اکرم(ص) نیز این ویژگی قرآن را مبنای تعلیم و تبیین کلام الله قرار داد. بنابراین الگوی مخاطبه با کلام الله به اصحاب و مسلمانان دیگر منتقل شد و البته این روش تعامل با قرآن به صورت متکامل در سیره امامان معصوم(ع) نیز تجلی پیدا کرد.

ما در این پژوهش بر آن ایم تا ابتدا با پی‌جویی و احصاء مخاطبه‌ها و تعامل گفت‌وگو محور معصومین(ع) با قرآن، ضمن دسته‌بندی و گونه‌شناسی، کارکردهای این قبیل از گزاره‌های روایی را به دست آوریم. در ادامه با استفاده از این سبک تعامل و ارتباط با قرآن ابعاد ویژه‌ای از ماهیت کلام الله و چیستی زبان قرآن تبیین کرده و در نهایت به بررسی سیر تاریخی مخاطبه با کلام الله در سیره معصومین(ع)، و نیز سیر انعکاس مخاطبه‌های معصومین در تفاسیر شیعه و اهل سنت خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق

با بررسی‌های صورت گرفته و تتبعاتی که در منابع روایی و تفسیری انجام شد، به نظر می‌رسد که مخاطبات وارده از معصومین(ع) به عنوان یک تحقیق و سوژه‌ای ویژه که روایتگر سیره قرآنی ائمه اطهار(ع) باشد، چندان مورد عنایت علما و دانشمندان قرار نگرفته است. از میان دانشمندان و قرآن‌پژوهان اسلامی تنها کسی که نگاهی ویژه به مخاطبات ائمه اطهار(ع) با کلام الله داشته است، علامه مجلسی است. وی ضمن اینکه بخشی از روایات را در یک باب گرد آورده است، تحلیل خود را نیز درباره این روایات بیان داشته است(رک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱/۸۹). همچنین در کتاب «درآمدی بر مطالعات قرآنی در سیره نبوی» نوشته محمدعلی لسانی فشارکی و حسین مرادی زنجانی با اشاره‌ای گذرا به سنت مخاطبه با کلام الله در سیره معصومین(ع) از امکان تسری مخاطبه و مکالمه با قرآن در تمامی اعصار سخن به میان آمده است(لسانی فشارکی و مرادی، ۱۳۹۲: ۸۶).

آیت الله جوادی آملی هم در کتاب «قرآن در قرآن» بحثی کوتاه پیرامون مخاطبان قرآن دارد که اشاره‌ای به موضوع مخاطبه داشته است و حقیقت قرآن را تکلم الهی می‌داند(جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۵۸). با این وجود در منابع مربوط به مطالعات قرآنی و روایی، بحث مستقل و کاملی در این خصوص نشده است. به ویژه آنکه نویسندگان این پژوهش بر آن‌اند تا سیر مخاطبه را در تفاسیر شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار دهند. بر همین اساس و با عنایت به خلأ موجود در این زمینه به منظور معرفی این وجه از سیره قرآنی معصومین(ع)، قصد تحقیق درباره این موضوع و کشف زوایای مختلف آن را داریم.

تعریف مفاهیم و اصطلاحات پژوهش

۱. مخاطبه

مخاطبه یا خطاب به معنای سخن گفتن به شکل مواجهه و روبه‌رو است. قاموس قرآن پیرامون این واژه می‌نویسد: *خطب خاطبه احسن الخطاب وهو المواجهه بالكلام*(زمخشری، ۱۳۹۲: ۱۱۴). در «التحقیق فی کلمات القرآن» مخاطبه به این صورت

تعریف شده است: «وهو الكلام بين متكلم وسامع» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸۲/۳). راعب نیز در مفردات می‌گوید: وَالْمُخَاطَبَةُ وَالتَّخَاطُبُ: المراجعة في الكلام؛ (راعب، ۱۴۱۲: ۲۸۶). رویاروی سخن گفتن و رد کردن کلام به یکدیگر. خُطِبَ (بر وزن فَلَسن) روبه‌رو سخن گفتن، خطب، مخاطبه و تخاطب به معنی مراجعه به وسیله کلام (و سخن) است. خُطِبَهُ نیز از همین ریشه است (به کسر اوّل و ضمّ آن) اما خُطِبَهُ (به ضم) مختصّ موعظه است و خُطِبَهُ (به کسر) مخصوص خواستگاری زن.

خُطِبَ به معنی شأن و شغل است، بزرگ باشد یا کوچک مانند این جمله «هذا خطبٌ یسیر و خطبٌ جلیل و یا امری که در آن گفت‌وگو صورت گیرد» (ابن منظور، ۱۳۶۳: ۳۶۰/۱).

بنابراین معنی لغوی کلمات فوق عبارت است از: روبه‌رو سخن گفتن (عمید، ۱۳۹۰: ۱۷۰/۵؛ معین، ۱۳۸۸: ۳۹/۳؛ انوری، ۱۳۸۱: ۶۷۸۰/۷). در لغتنامه دهخدا - به نقل از «ترجمان القرآن» و «منتهی الأرب» - مخاطبه به معنای سخن در روی گفتن و با کسی سخن گفتن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳/۴۷۰). همچنین امروزه مخاطبه به فتح باء به معنای مکالمه، کنفرانس و گفت‌وگو و نیز مکالمه تلفنی می‌باشد (مهیار، ۱۳۷۵: ۲۸).

از بررسی تمامی معانی ذکر شده برای مخاطبه در کتب لغت و فرهنگنامه‌ها مشخص می‌شود که مخاطبه فرآیندی دوسویه بوده و در آن یک بده و بستان کلامی بین دو نفر یا دو گروه شکل می‌گیرد که منجر به مفاهمه و انتقال مفهوم از طرفین می‌شود. این معنا همان مفهوم دیالوگ در زبان لاتین است که مفهوم وسیع‌تری در علوم انسانی غرب پیدا کرده است.

۲. کلام الله

عده‌ای از لغت‌نویسان، «تکلیم» و «تکلم» را به معنای سخن گرفته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۷۸/۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰۷/۱۰؛ قرشی، ۱۳۵۳: ۱۴۰/۶؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۸۸/۱؛ ابن منظور، ۱۳۶۳: ۵۲۳/۱۲). در قرآن کریم نیز کلمه در این دو باب، معنای «سخن» را می‌دهد، مانند: ﴿...وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ و ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيَهُمْ...﴾. نکته دیگر اینکه در تکلیم، بیش‌تر مراد سخن، مخاطب است و در تکلم، متکلم

منظور است(مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰۷/۱۰). مانند: ﴿...وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ و در تکلم بیش تر فاعل مراد است مانند: ﴿...لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ﴾. ضمناً در قرآن کریم نیز کلمه به صورت فعل ثلاثی مجرد به کار نرفته، لیکن به شکل مصدری بسیار تکرار شده است. اشکال مصدری واژه کلمه به غیر از کاربرد فعلی در سایر مشتقات نیز دارای کاربرد است. مانند الکلام به معنی «التین الیابس» یعنی خاک خشک و «الأرض الغلیظة» یعنی زمین سخت و خشن(مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰۷/۱۰؛ ابن منظور، ۱۳۶۳: ۵۲۳/۱۲). احتمالاً وجه تسمیه این دو به کلام، تأثیرگذاری خشکی و زمین سخت بر محیط اطراف است. با در نظر گرفتن تعاریف فوق مفهوم ابتدایی کلام الله، همان سخن خداوند است که در مخاطب تأثیر بگذارد.

۳. سیره معصومین(ع)

واژه «سیره» از «سیر» بیان کننده نوع حرکت و انسان است. این واژه در این وزن بر هیأت و حالت انجام شدن فعل دلالت می کند. اهل لغت در معنای سیره گفته اند: سیره، هیأت، حالت، سنت، مذهب، روش، رفتار، راه و رسم، سلوک و طریقه است(ابن فارس: ۱۲۱/۳). *راغب اصفهانی* سیره را به معنای حالتی دانسته که انسان یا غیر انسان بر آن حالت باشد(راغب، ۱۴۱۲: ۲۴۸). «لسان العرب» نیز می گوید: سیره از کلمه «سیر» به معنای رفتن است و خود کلمه سیره به معنای روش و رفتار و سنت و طریقت و هیأت است(ابن منظور، ۱۳۶۳: ۳۹۹/۶). در این باره شهید مطهری می نویسد: «سیره در زبان عربی از ماده سیر» است. سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن، «سیره» یعنی نوع راه رفتن، سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار. آنچه مهم است شناخت سبک رفتار است(مطهری، ۱۳۸۸: ۴۷). بنابراین سیره پیغمبر یعنی متدی که پیغمبر در عمل و در روش برای مقاصد خودش به کار می برد. اینکه پیامبر کی و کجا به دنیا آمد و چه کرد و چه مقاصدی داشت مورد نظر نیست؛ آنچه در این اجمال مورد نظر ماست سبک و روش پیغمبر است(مطهری، ۱۳۸۸: ۵۲). بر اساس تعریف فوق منظور از سیره قرآنی معصومین(ع)، روش و الگوی آن حضرات در مواجهه و تعامل با کلام الله و مؤلفه های بنیادینی است که در آن سیره ظهور و بروز داشته است.

۴. زبان قرآن

برای واژه «زبان» تعاریف مختلفی بیان شده است. در معنای لغوی زبان آمده است: «اندام ماهیچه‌ای و متحرک داخل دهان که مهم‌ترین ابزار گویایی است» (مشیری، ۱۳۸۸: ۵۳۴)؛ زبان گفتار مخصوص یک ملت یا جماعت، مثل زبان عربی، انگلیسی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱۱۳۰) و نیز توانایی ذهن انسان برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام است، که تکلم و گفتار، نمود آوایی و ظهور خارجی این توانایی است (باطنی، ۱۳۷۳: ۱۱۲).

واژه «لسان» در قرآن یک جا به معنای لغت و زبان («لسان عربی مبین») و در جای دیگر به معنای تکلم و گفتار («ولساناً و شفتین») آمده است. البته باید دانست که منظور از زبان قرآن، لغت قرآن نیست، بلکه مقصود آن است که «قرآن از نظر کلمات و گزاره‌ها و جملات دارای چه خصوصیتی است (اخباری یا انشائی، حقیقی یا مجازی، تمثیلی یا اسطوره‌ای، یک لایه یا چند لایه و...) آیا مفردات استعمال شده در قرآن بر همان معانی وضعی عرفی بشر دلالت دارد یا بر مسمیات حقیقی؟ قرآن در رساندن پیام از چه سبک و شیوه‌ای (عمومی، عاطفی، علمی، رمزی و...) استفاده کرده است؟» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

تعدد متکلم و مخاطب در زبان قرآن

پرسش از حقیقت و ماهیت کلام الله از مباحث دامن‌دار در تاریخ قرآن و علوم قرآنی است. از همان روزهای نخستین نزول وحی بر رسول اکرم (ص)، شنوندگان با درک تفاوت‌های زبانی کلام الله و زبان رایج انسان‌ها، شگفت‌زده شده و از چیستی، کیفیت و منشأ آن سؤال می‌کردند. در طول تاریخ نیز اندیشمندان در این خصوص قلم‌فرسایی‌های فراوانی داشته‌اند. در باب مبدأ کلام الله و زبان دو جریان عمده وجود دارد. دیدگاه مشهور در میان اندیشمندان مسلمان، بر الهی دانستن الفاظ وحی تأکید دارد (شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱۳؛ جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۴۸؛ طباطبایی، ۱۳۸۵: ۳۱۷؛ زرقانی، ۱۴۰۸: ۴۸). علامه طباطبایی می‌گوید: عقیده عمومی مسلمانان درباره وحی قرآن این است که قرآن مجید به لفظ، سخن خداست که به وسیله یکی از مقربین ملائکه که موجوداتی آسمانی

هستند به پیغمبر اکرم(ص) فرستاده شده است(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷۲). سیوطی نیز القای معانی، بدون الفاظ را درباره کلام الهی نمی‌پذیرد(سیوطی، ۱۳۸۶: ۱۵۷). با این حال در طول تاریخ اندیشمندانی بوده‌اند که الفاظ قرآن را منبعث از زبان نبی اکرم(ص) تلقی کرده‌اند. در سال‌های اخیر نظریه‌هایی که وحی را صرفاً امری معنایی و زبان قرآن را وابسته به پیامبر می‌داند، مورد توجه پاره‌ای از متفکران قرار گرفته است. افرادی چون، نصر حامد ابوزید، عبدالکریم سروش، مجتهد شبستری و... در اثبات مدعای خود قلم‌فرسایی‌های بسیاری داشته‌اند.

به موازات این جریان، جریان دیگری نیز وجود داشت که یک طیف آن با استناد به دلایلی چون خاتمیت و جهانی بودن رسالت پیامبر اکرم(ص)، قرآن را کتابی آسمانی برای تمامی قرون و اعصار دانسته‌اند و در مقابل گروهی رسالت قرآن را اختصاص به مردمان عصر نزول می‌دانند که برای مردمان دوره‌های بعد تنها از جهت تعبیر و عبرت‌اندوزی می‌تواند کارکرد داشته باشد.

در دوران معاصر نیز قرآن‌پژوهان با بهره‌گیری از تئوری‌های جدید زبان‌شناختی در فهم ساختار زبانی قرآن کوشیده‌اند. در این پژوهش ما بر آن ایم یکی از جنبه‌های ویژه زبانی قرآن را مورد بررسی و تبیین قرار دهیم. وجهی که از منظر زبان‌شناسان در میان زبان‌های مختلف رایج و ساختارهای زبانی عرفی کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر است. زبان قرآن دارای ویژگی‌هایی است که از یک سو آن را به عنوان یک گونه زبانی مستقل مانند گونه‌های زبانی دیگر معرفی می‌کند و از سویی دیگر وجود جنبه‌های ویژه وحیانی، آن را از سایر زبان‌های معمولی ممتاز می‌گرداند. در اغلب قالب‌های زبانی ما با یک وضعیت خطی مواجه هستیم. در یک سو متکلم و گوینده قرار دارد و در سوی دیگر مخاطب و شنونده کلام و معنا. چنین ساختاری در زبان قرآن وجود ندارد و به تعبیری می‌توان گفت که ساختار عرفی زبان در زبان قرآن شکسته است. از همین رو می‌توان قائل به ساخت‌شکنی در زبان قرآن بود. ساخت‌شکنی که با آنچه دریدا عنوان کرده تفاوت ماهوی دارد(ر.ک: قیطوری، ۱۳۸۲).

وقتی به متن آیات قرآن می‌نگریم، متکلم واحدی وجود ندارد و در جواب به این سؤال که «چه کسی سخن می‌گوید؟» گاه می‌توان گفت: خداوند. خداوندی که در برخی

آیات متکلم وحده است: ﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا﴾؛ منم من خدایی که جز من خدایی نیست (طه/۱۴) و در برخی آیات دیگر خداوند به عنوان گوینده سخن به صورت متکلم مع الغیر و اول شخص جمع نمایان است: ﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ﴾؛ و بادهای را باردارکننده فرستادیم (حجر/۲۲). گاه نیز خداوند در آیه‌ای هم به صورت اول شخص و هم سوم شخص: ﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُشِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَدْمِيَّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ الثُّشُورُ﴾؛ و خدا همان کسی است که بادهای را روانه می‌کند پس [بادهای] ابری را برمی‌انگیزند و [ما] آن را به سوی سرزمینی مرده راندیم و آن زمین را بدان [وسیله] پس از مرگش زندگی بخشیدیم رستاخیز [نیز] چنین است (فاطر/۹). چنین تغییری در گوینده سخن و انتقال از اول شخص به سوم شخص در آیات زیادی وجود دارد.

تا اینجا اتفاق خاصی در فرآیند زبانی رخ نداده است. خداوند سخن می‌گوید و انسان به عنوان مخاطب گوش فرا می‌دهد. اما آیه‌ای وجود دارد که فرشتگان بی‌واسطه سخن می‌گویند: ﴿وَأَنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ۝ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ﴾ (صافات/۱۶۵ و ۱۶۶) و یا خود نبی اکرم (ع) سخن می‌گوید: ﴿ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾؛ چنین خدایی پروردگار من است بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم (شوری/۱۰).

این تغییر و جابه‌جایی در متکلم زمانی جالب خواهد بود که در برخی آیات خود انسان سخن می‌گوید و مبدأ وحی و فرستنده کتاب یعنی خداوند مخاطب می‌شود: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾؛ (بار الهی) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم (حمد/۵). نمونه‌های دیگری از آیات که حاکی از نیایش و گفت‌وگوی انسان با خداوند است، می‌تواند مبین این موضوع باشد.

با در نظر گرفتن نمونه‌های مذکور این سؤال که در قرآن چه کسی سخن می‌گوید، پاسخ ثابتی نمی‌یابد، چراکه متکلم دائماً در حال تغییر است و هر متکلم به نوبه خود می‌تواند جای دیگر مخاطب شود. گاه خدا با انسان و گاه انسان با خدا سخن می‌گوید... این تبدیل دائمی متکلم، مفهوم تکلم را در هم می‌شکند و شکستن متکلم واحد، قرآن را از قیود گفتاری و خطی دور می‌سازد؛ به طوری که اینک می‌توان قرآن را پدیده‌ای فراانسانی دانست (قیطوری، ۱۳۸۲: ۱۱۱). بنابراین مشخص می‌شود که قرآن ماهیتی خطابی و شفاهی دارد اما این خطاب به مخاطب و یا بافت خاصی محدود نیست. قرآن

بافت و مخاطب خاص را در هم می‌شکند و به دلیل حضور خالق متن، سراسر قرآن خطاب است. این موضوعی است که برخی از مفسران نیز بر آن تأکید کرده‌اند. برخی در ذیل مبحث مخاطبان قرآن حتی خطابات به اقوام پیشین که در قرآن آمده است را متوجه به مخاطب فعلی (یعنی مسلمانان) دانسته‌اند (رک: خمینی، ۱۳۷۶: ۵۲۸/۵).

برای درک و اثبات ماهیت ویژه زبانی قرآن، سیره و بیان پیامبر اکرم(ص) و معصومین(ع) نیز می‌تواند راهگشا باشد. یکی از سنت‌های قابل تأمل در سیره قرآنی ائمه اطهار(ع)، الگوی مخاطبه با کلام الله است. با تأمل در این سبک تعامل با قرآن، مشخص می‌شود که قرآن متنی زنده و پویاست و قاری قرآن در همان زمانی که آیات الهی را تلاوت می‌کند، در مقام گفت‌وگو و تخاطب با کلام الله و به بیانی دیگر با صاحب کلام است. از همین رو پیامبر اکرم(ص) به یاران نزدیکش می‌فرمود: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ رَبَّهُ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ، إِنْ كُنْتَ مِنْكُمْ أَحَدٌ، فَإِنَّ الْقُرْآنَ يَخُاطَبُكَ بِكَلِمَاتِهِ» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱/۵۱۰).

پیامبر اکرم(ص) به عنوان اولین مخاطب قرآن، علاوه بر اینکه خود در این گفت‌وگو و دیالوگ نقش محوری دارد، مسیر چنین تجربه‌ای را برای دیگر مسلمانان نیز فراهم می‌کند. لذا مخاطبه با کلام الله علاوه بر اینکه در سیره شخصی حضرت ختمی مرتبت ظهور داشته است، یک مطالبه جدی از سوی ایشان بوده است. جابر بن عبد الله گوید: پیامبر(ص) روزی سوره الرحمن را در جمع مردم خواند، ولی آن‌ها سکوت کردند و چیزی نگفتند، به آن‌ها فرمود: جن‌ها بهتر از شما، پاسخ می‌دهند. چراکه من وقتی آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ (الرحمن/۱۶) را برای‌شان خواندم، آن‌ها در پاسخ گفتند: «ولا بشيء من آلاء ربنا نكذب»؛ یعنی نه، هرگز ما چیزی از نعمت‌های پروردگاران را، تکذیب نمی‌کنیم (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۹/۲۳). آن حضرت به این ترتیب، به مسلمانان دستور دادند که هنگام شنیدن آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ که در سوره الرحمن، سی بار تکرار شده، سکوت نکنند، چراکه اقتضای تخاطب این است که اگر سؤالی پرسیده شد، جواب داده شود. به ویژه آنکه در یک سوی این خطاب خداوند قرار دارد.

چنین فرآیندی در تعامل با قرآن کریم، وجهی دیگر از شکست متکلم واحد در زبان قرآن و نیز تعدد متکلم و مخاطب را آشکار می‌سازد. قرآنی که کلام الله بود و قرار بود که

در مرتبه اول پیامبر اکرم(ص) و مراتب بعدی دیگر انسان‌ها را مورد خطاب قرار دهد، اینک خود مورد خطاب قاری قرآن قرار گرفته است و قاری قرآن با درک فضای گفت‌وگو و دیالوگ، گزاره‌ای از خود صادر و به صاحب کلام عرضه می‌کند. در اینجا انسان متکلم است و کلام الله مخاطب و این جنبه اعجاز‌آمیز زبان قرآن است که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. چنین جنبه‌ای حاکی از این است که زبان ویژه قرآن جاودانی و همگانی است. بناست که در طول تاریخ بشریت تسری پیدا کرده و به تعبیر امام باقر(ع) جریانی همچون جریان خورشید و ماه پیدا کند.

برای اینکه زبان دیالکتیک و گفت‌وگومحور قرآن بیش‌تر تبیین شود، به یک نمونه دیگر از مخاطبه‌های معصومین(ع) با قرآن اشاره می‌کنیم. امام صادق(ع) با استناد به سنت نبی اکرم(ص) به اصحاب خود سفارش می‌کنند که: «إِذَا قُلْتَ: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾، فَقُلْ: يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَإِذَا قُلْتَ ﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾، فَقُلْ: أَعْبُدُ اللَّهَ وَحْدَهُ، وَإِذَا قُلْتَ ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَدِينُ رَبِّي﴾، فَقُلْ: رَبِّي اللَّهُ وَدِينُ الْإِسْلَامِ» (بحرانی، ۱۳۷۴: ۷۸۰/۵)؛ یعنی وقتی می‌خوانید: قل یا ایها الکافرون، قرآن و کلام خدا را می‌خوانید، سخن نازل شده خدا را تلاوت و روایت می‌کنید. حال باید این سخن خدا را فعال‌تر کنید و آثار تعلیم و تربیت الهی را در خودتان نشان دهید و بگویید: «یا ایها الکافرون!»

در اینجا مخاطبه صورت گرفته در مقام امثال امر موجود در سخن متکلم(خداوند) است. خداوند امر می‌کند «بگو» و قاری(یعنی مخاطب) می‌گوید «یا ایها الکافرون». نکته قابل تأمل این است، چنین قولی خودش خطابی است که متوجه مخاطبان دیگری به جز دو طرف گفت‌وگو است؛ یعنی همان کافران. قاری قرآن این بار به همان صورت و شیوه‌ای که رسول اکرم(ص)، مخاطبان(یعنی کافران) زمان خود را مورد خطاب قرار داده است، می‌تواند پس از ۱۵۰۰ سال کافران عصر خود را مورد خطاب قرار دهد و ندای اسلام را به گوش آن‌ها برساند. «این جمله، دیگر قرآن و کلام خدا نیست، بلکه اثر و انعکاس آن است؛ محصول و پاسخ آن است. درس پس دادن است. ما با گفتن این جمله نشان می‌دهیم که تربیت شده مکتب ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ هستیم و هم اینک پس از هزار و پانصد سال، کافران امروز را مخاطب ساخته و منطق الهی خودمان را به گوش آنان می‌رسانیم» (لسانی فشارکی و مرادی، ۱۳۹۲: ۱۱۴). مخاطبه در سوره کافرون، چرخش و

تغییر مخاطب و متکلم را به صورت متمایزی نشان می‌دهد که حاکی از جلوه دیگری از ویژگی‌های منحصر به فرد زبان قرآن است.

ما در ادامه با بهره‌گیری از یکی از غرر روایات/امام رضا(ع) سعی در تبیین ماهیت کلام الله خواهیم داشت و با ذکر شواهدی از سیره قرآنی معصومین(ع)، جنبه نوینی از ماهیت کلام الله ارائه خواهیم کرد؛ ریان بن صلت به حضرت امام رضا(ع) گفت: درباره قرآن چه می‌فرمایید(نظر شما درباره قرآن چیست؟)؛ حضرت فرمودند: قرآن کلام الله است(و نه چیز دیگر). از آن تجاوز نکنید، و هدایت را در غیر آن نجویید که گمراه می‌شوید(ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۴۷). باید توجه داشت که در این حدیث شریف، کلام الله صرفاً به معنی سخن خدا نیست، بلکه معنای دقیق آن «سخن گفتن خدا» و «تکلم خدا» می‌باشد. چراکه «کلام» معنای مصدری نیز دارد. بر این اساس «قرآن کریم، نه تنها کلام الهی است، بلکه تکلم الهی نیز هست و هم اکنون خداوند است که با ما سخن می‌گوید»(جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶۸).

یکی از سؤالاتی که پاسخ به آن معرفت ما را به قرآن کریم بیش‌تر می‌کند این است که: آیا وقتی کلام خدا به رسول اکرم(ص) رسید، وحی الهی در وجود آن حضرت ختم می‌یابد و ایشان پیام خداوند را به مردم ابلاغ می‌کنند یا وجود مبارک آن حضرت همانند فرشتگان، مجرای وحی و مسیر تکلم الهی است تا به انسان‌های دیگر هم برسد؟ طبق آموزه‌های مکتب اهل بیت(ع) قرآن به طور مستمر در حال نزول بر مردم است. اگر کسی لیاقت مخاطب قرآن بودن را داشته باشد، هم اکنون کلام خدا بر او نازل می‌شود. البته لیاقت تماس با فرشته را کسی غیر از پیامبر(ص) ندارد تا بتواند وحی را بی‌واسطه دریافت نماید.

سبک‌شناسی مخاطبه در سیره معصومین(ع)

با تأمل در مخاطبه‌های وارده در سیره معصومین(ع) در منابع حدیثی، تفاوت‌های کمی و کیفی آن‌ها شناخته می‌شود. در واقع نوع و شکل مخاطبه مطرح شده را می‌توان در دسته‌بندی‌های مختلفی قرار داد که به برخی از این دسته‌بندی‌ها به صورت زیر اشاره می‌کنیم:

مخاطبه کلامی

با استفاده از عبارات قرآنی: از عبدالله بن سنان نقل شده است که /امام صادق(ع) فرمود: هنگامی که ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ (فلق/۱) را قرائت نمودی، با خود بگو: أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، و هنگامی که ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ (ناس/۱) را قرائت نمودی، بگو: أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۷۰/۱۰).

بر اساس این روایت /امام صادق(ع) پس از قرائت آیه ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ با خود می‌گفتند: «أعوذ برب الفلق». در مورد سوره ناس نیز همین روش را داشتند. معصومین(ع) هنگام قرائت آیاتی که فعل امر «قل» در آنها آمده است، امتثال امر کرده و عبارت خواسته شده توسط «رب» را بیان می‌کردند.

بدون استفاده از عبارات قرآنی: درباره /امام رضا(ع) نقل شده است: ...وَ كَانَ إِذَا قَرَأَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ قَالَ سِرًّا «اللَّهُ أَحَدٌ» فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا قَالَ «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا ثَلَاثًا»... (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۳/۲) یعنی ایشان پس از فراغت از قرائت ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ (توحید/۱) سه بار می‌گفتند «کذلک الله ربنا». در متن حدیث، هم مخاطبه کلامی با استفاده از عبارت قرآنی یعنی «الله احد» و هم مخاطبه غیر کلامی بدون استفاده از عبارت قرآنی یعنی «کذلک الله ربنا» از /امام رضا(ع) صادر شده است.

مخاطبه غیر کلامی

در قرآن کریم آیاتی وجود دارند که مخاطبه با قرآن را به امری بدیهی عنوان کرده‌اند. برای نمونه آیه ۸۳ سوره مائده تصویری از مخاطبه غیر کلامی با کلام الله را ارائه کرده است: ﴿وَإِذْ أَسْمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ﴾ (مائده/۸۳). طبق این آیه مخاطبه با کلام الله خواسته خود قرآن است. طبق این آیه مشخص می‌شود، شنونده کلام الله باید چگونه حالتی داشته باشد و آیات قرآن چه تأثیری در حالات ظاهری و درونی شنونده کلام الله می‌گذارد.

ائمه اطهار(ع) نیز با تأسی از این آیه در حالات ظاهری خود نیز تأثیر تخاطب و مخاطبه با کلام الله را بروز می‌دادند. بر این اساس مخاطبه غیر کلامی معصومان(ع) به دو دسته قابل تقسیم است:

- مخاطبه به وسیله حالات ظاهری؛ نظیر گریه، حزن و اندوه.
 - مخاطبه با تغییر و تحوّل حالات باطنی و درونی؛ مانند خشوع و خشیت.
- در روایتی مخاطبه‌ای از امام موسی بن جعفر(ع) به تصویر کشیده شده است که تنها با تغییر حالت ظاهری و درونی و نیز حزن و گریه کردن همراه است. در این روایت، حزن و گریه از خشیت الهی از ویژگی‌های تلاوت قرآن در سیره حضرت موسی بن جعفر(ع) ذکر شده است، به گونه‌ای که حتی شنوندگان نیز به گریه می‌افتادند(مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۸/۴۸). ابن ابی ضحاک که در سفر امام رضا(ع) از مدینه تا خراسان همراه و ملازم ایشان بود، درباره نحوه قرائت قرآن توسط امام رضا(ع) نکات جالبی را نقل کرده است که عمده آن‌ها اشاره به احساس مخاطبه‌ای دارد که در وجود آن حضرت بود. وی می‌گوید: «وَ كَانَ يَكْثُرُ بِاللَّيْلِ فِي فِرَاشِهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَكَى وَ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»(ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۳/۲).
- گریه و حزن یکی از مصادیق مخاطبه غیر کلامی معصومین(ع) باشد که در رابطه با امام رضا(ع) عنوان شده است. از عبارت «سأل الله» نیز به خوبی برمی‌آید که ایشان همواره در لابه‌لای آیات و بر سر آیات وقف و مکث می‌کردند و با یقین به اینکه در حضور صاحب این کلام می‌باشند و این کلمات را مستقیماً از خداوند متعال می‌شنوند، فرصت را مغتنم شمرده و ضمن گفت‌وگو و مخاطبه، از خداوند درخواست می‌نمودند که نعمت‌هایی را که در این جملات و آیات برشمرده است، به ایشان نیز عطا نماید و آتش جهنم را از وجودشان دور سازد. تجلّی مخاطبه با کلام الله در بیان و زبان معصومین(ع) به حدی است که زبان قرآن حتی در محاورات روزانه و به ویژه در ادعیه مأثور قابل پی‌جویی است. دعاهایی که مضامین بلند و قرآنی را در خود انعکاس داده است و پژوهشگران معاصر نیز در تحلیل، شرح و معناشناسی دعاهای معصومین(ع) این نکته را مورد توجه قرار داده‌اند(برای نمونه ر.ک: شریف‌زاده یزدی، جنتی‌فر: ۱۳۹۵).

نظر مراجع شیعه درباره جواز مخاطبه با کلام الله

هرچند تعدّد روایات مربوط به مخاطبه معصومین(ع) کاشف از سیره عمومی آن حضرات و در واقع به نوعی سنتی «متواتر معنوی» است(صبحی‌صالح، ۱۳۸۳: ۱۱۵) و مدیرشانچی، ۱۳۷۹: ۶۵). یعنی سنت مخاطبه با آیات قرآن و توصیه ائمه اطهار(ع) با

بیان عباراتی در حین تلاوت قرآن، اظهر من الشمس بوده و همچون خورشیدی در مکتب اهل بیت(ع) می درخشد. با این وجود جهت کسب اطمینان خاطر از طریق استفتاء، نظر و رأی مراجع معظم شیعه را درباره حکم فقهی و جواز مخاطبه با کلام الله جویا شدیم که آیات عظام سیستانی و وحید خراسانی به این استفتاء پاسخ دادند:

سؤال:

با سلام و تحیات محضر مرجع عالیقدر شیعه

اینجانب در حال انجام پژوهشی تحت عنوان «مخاطبه با کلام الله در بیان معصومین(ع)» می باشم. آنچه از مجموعه روایات مربوط به سیره قرآنی معصومین(ع) برمی آید، حاکی از آن است آن حضرات در پاره‌ای از مواقع، هنگام قرائت قرآن گزاره‌هایی در امتثال امر یا سؤال موجود در آیات قرآن کریم بر زبان آورده‌اند. به عنوان مثال از امام صادق(ع) نقل شده است که می فرماید: هنگامی که «قل أعوذ برب الناس» را قرائت نمودی بگو: «اعوذ برب الناس». یا پیامبر اکرم(ص) تأکید کرده اند که بعد از آیه «فبأی آلاء ربکما تکذبان» بگوییم: لا بشیء من آلاء ربّ اکذب.

سؤال حقیر این است که حکم فقهی گفتن چنین عباراتی که زمینه انس و تدبیر بیش تر در آیات قرآن کریم را فراهم می آورد البته بدون قصد اینکه این عبارات جزو کلام الله محسوب شوند، چه می باشد؟ و در حالت کلی نظر حضرتعالی درباره ایجاد حالت مخاطبه با کلام الله هنگام قرائت قرآن کریم چیست؟

پاسخ استفتاء:

باسمه تعالی

نه تنها گفتن این عبارت جایز است، بلکه مستحب است بلکه از احادیث استفاده می شود که بعد هر آیه‌ای که در آن عذاب الهی آمده، مستحب است به خداوند پناه ببریم و از خداوند بخواهیم آن را از ما دور کند و همچنین بعد از هر آیه‌ای که در آن بهشت و نعمت‌های الهی آمده، مستحب است از خداوند بخواهیم آن را به ما بدهد، چنانچه در حالات امام رضا(علیه السلام) در راه خراسان گفته شده (آن حضرت بسیار قرآن تلاوت می کرد پس اگر به آیه رسید که در آن بهشت یا دوزخ ذکر شده گریه می کرد و از خداوند بهشت را طلب می کرد و پناه می برد به خداوند از آتش جهنم... و وقتی

قل هو الله) را تمام می‌کرد می‌فرمود: (کذلک الله ربنا) سه مرتبه و وقتی (الحمد) را تمام می‌کرد می‌گفت: (الحمد لله رب العالمین) و اگر می‌خواند (یا ایها الذین آمنوا) می‌گفت: (لبيک اللهم لبيک).

دفتر مرجع عالیقدر سید علی حسینی سیستانی - بخش استفتائات

کد استفتاء: ۱۶۲۱۳۰

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اگر به همان نحوه‌ای که به صورت معتبر از چهارده معصوم علیهم السلام وارد شده، اشکالی ندارد.

دفتر مرجع عالیقدر آیت الله وحید خراسانی - بخش استفتائات

بررسی انعکاس «مخاطبه با کلام الله» در تفاسیر شیعه و اهل سنت

در این بخش در پی آن هستیم تا انعکاس روایات ناظر به مخاطبه با کلام الله در تفاسیر قرآن کریم را بررسی نماییم. برای این منظور پنج مورد از مخاطبه‌های وارده طبق روش نمونه‌برداری تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب می‌شود و هر کدام از این موارد در مجموعه تفاسیر شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که با توجه به گستردگی تفاسیر و نیز به منظور سهولت دسترسی این بخش با استفاده از نرم‌افزار جامع تفاسیر ۲/۱ تدارک دیده شده است. در این نرم‌افزار مجموعه ۱۴۴ کتب تفسیری از صدر اسلام تا دوران معاصر عرضه شده است. از میان این تفاسیر ۸۳ تفسیر مربوط به مفسران شیعه، ۵۸ تفسیر مربوط به مفسران اهل سنت و دو تفسیر زبیدی و یک تفسیر لاتین اختصاص یافته است. این تفاسیر با گرایش‌های تفسیری متعدد تألیف شده است. از جمله می‌توان تفاسیری با گرایش‌های روایی، کلامی، اجتهادی، فقهی، فلسفی و عرفانی، ادبی، اجتماعی و تربیتی و... را نام برد.

به منظور تحلیل تاریخی و رهیافتی علمی به تجلی مخاطبه‌های معصومان(ع) در این تفاسیر، مؤلفان این پژوهش سه دوره تاریخی در نظر گرفته‌اند. دوره اول از قرن اول تا قرن پنجم؛ دوره دوم از قرن ششم تا قرن دهم و دوره سوم از قرن یازدهم تا قرن پانزدهم. از مجموع ۱۴۴ تفسیر موجود در نرم‌افزار جامع تفاسیر نور ۲۵ تفسیر مربوط به

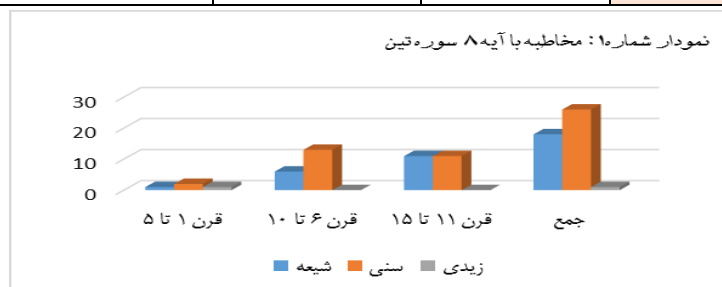
قرون ۱ تا ۵، ۴۰ تفسیر مربوط به قرون ۶ تا ۱۰ و ۷۹ تفسیر مربوط به قرون ۱۱ تا ۱۵ است. همانطور که پیداست با توجه به تعداد کم تفاسیر در قرون اولیه، بدیهی است که میزان تکرار و اشاره به روایت مخاطبه در تفاسیر قرون میانی و اخیر بیش‌تر باشد. در ادامه نتایج بررسی صورت گرفته در قالب جداول و نمودارها آورده‌ایم:

۱. مخاطبه با آیه «أليس الله بأحكم الحاكمين»

مخاطبه با آیه ۸ سوره تین به صورت استفهامی بیان شده است، هم در تفاسیر شیعه و هم در تفاسیر اهل سنت مورد اشاره قرار گرفته است. چنین مخاطبه‌ای که با عبارت «بلی و أنا ذلک من الشاهدين» آمده است، در تفاسیر قرون اول تا پنجم تنها در یک تفسیر شیعه و دو تفسیر اهل سنت و یک تفسیر زیدی اشاره شده است. در تفاسیر قرون ششم تا دهم ۶ تفسیر شیعه و ۱۳ تفسیر اهل سنت مخاطبه با این آیه را ذیل تفسیر این سوره آورده‌اند و در نهایت در تفاسیر قرون ۱۱ تا ۱۵، تعداد ۱۱ تفسیر شیعه و ۱۱ تفسیر اهل سنت به الگوی مخاطبه با این آیه اشاره داشته‌اند.

جدول شماره ۱: مخاطبه با آیه ۸ سوره تین

مخاطبه با آیه «أليس الله بأحكم الحاكمين»			
دوره تاریخی	شیعه	سنی	زیدی
قرن ۱ تا ۵	۱	۲	۱
قرن ۶ تا ۱۰	۶	۱۳	۰
قرن ۱۱ تا ۱۵	۱۱	۱۱	۰
جمع	۱۸	۲۶	۱

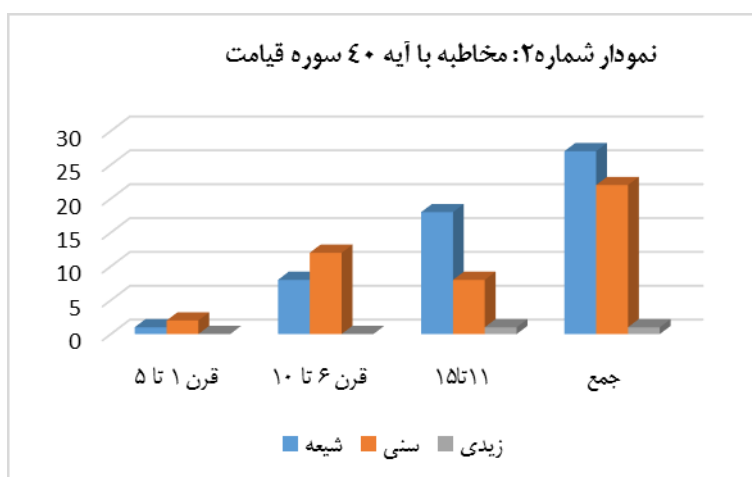


۲. مخاطبه با آیه «أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ»

مخاطبه با آیه ۴۰ سوره قیامت نیز در تفاسیر قرآن انعکاس داشته است. مخاطبه با این آیه در منابع روایی و تفسیری با عبارت «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبَلَىٰ» آمده است. در تفاسیر پنج قرن اول قمری تنها در یک تفسیر شیعه و دو تفسیر اهل سنت اشاره شده است. اما در تفسیر قرون ۶ تا ۱۰، در ۸ تفسیر شیعه و ۱۲ تفسیر اهل سنت مخاطبه با این آیه بیان شده است. همچنین در تفاسیر قرون ۱۱ تا ۱۵ نیز در ۱۸ مفسر شیعه و ۸ مفسر اهل سنت و یک مفسر زیدی، مخاطبه با این آیه را در تفسیر خود آورده‌اند.

جدول شماره ۲: مخاطبه با آیه ۴۰ سوره قیامت

مخاطبه با آیه «أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ»			
دوره تاریخی	شیعه	سنی	زیدی
قرن ۱ تا ۵	۱	۲	۰
قرن ۶ تا ۱۰	۸	۱۲	۰
۱۱ تا ۱۵	۱۸	۸	۱
جمع	۲۷	۲۲	۱

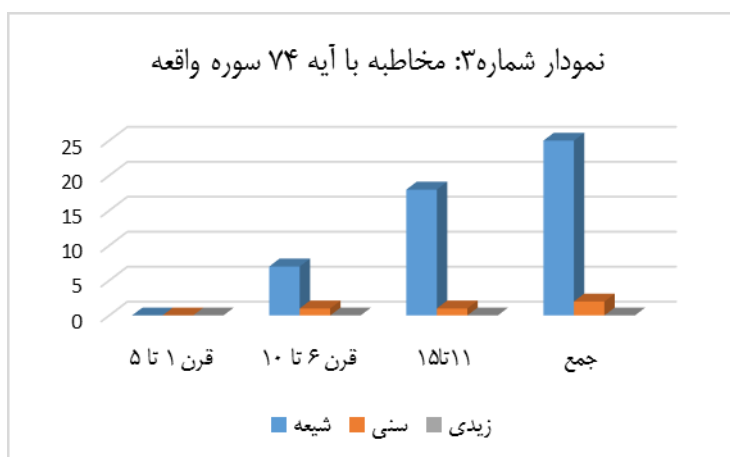


۳. مخاطبه با آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ»

این آیه حاکی از امر خداوند متعال به تسبیح اسم با عظمتش است و مخاطبه با این آیه با گفتن عبارت «سبحان ربی العظیم» محقق می‌شود. مخاطبه با این آیه در هیچ کدام از تفاسیر قرن اول تا پنجم انعکاس نداشته است. از قرن ۶ تا قرن ۱۱، هفت تفسیر شیعه و یک تفسیر اهل سنت مخاطبه با این آیه را در ذیل بیان تفسیری خود آورده‌اند. ۱۸ تفسیر شیعه و یک تفسیر اهل سنت نیز در قرون ۱۱ تا ۱۵ اشاره به مخاطبه با این آیه داشته‌اند.

جدول شماره ۳: مخاطبه با آیه ۷۴ سوره واقعه

مخاطبه با آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ»			
دوره تاریخی	شیعه	سنی	زیدی
قرن ۱ تا ۵	۰	۰	۰
قرن ۶ تا ۱۰	۷	۱	۰
۱۱ تا ۱۵	۱۸	۱	۰
جمع	۲۵	۲	۰

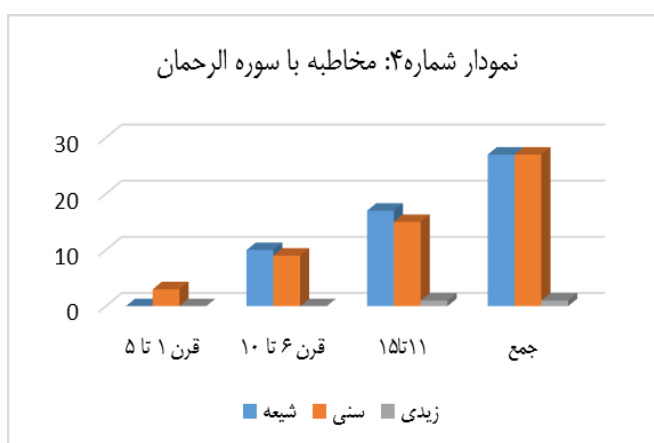


۴. مخاطبه با آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»

آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» بیش از ۳۰ بار در سوره الرحمن تکرار شده است و هر بار گروه انسان‌ها و جنیان را مورد خطاب قرار می‌دهد و چنین خطابی شایسته پاسخی در خور است. پاسخی که پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت ایشان نحوه بیان آن را به ما آموزش داده‌اند. طبق سنت نبوی مخاطبه با این آیه با عبارت «لَا بِشَيْءٍ مِّنْ أَلَائِكَ رَبِّ أَكْذِبُ» خواهد بود که چنین سنتی در تفاسیر شیعه و اهل سنت به خوبی انعکاس یافته است. اما در تفاسیر پنج قرن اول تنها در سه تفسیر اهل سنت این مخاطبه ظهور داشته است. اما در تفاسیر قرون ششم تا دهم، ۱۰ تفسیر شیعه و ۹ تفسیر اهل سنت چنین مخاطبه‌ای را بیان کرده‌اند. در تفاسیر قرون ۱۰ تا ۱۵ نیز ۱۷ تفسیر شیعه، ۱۵ تفسیر شیعه و یک تفسیر زیدی الگوی مخاطبه با این آیه را در ضمن مباحث تفسیری سوره الرحمن آورده‌اند.

جدول شماره ۴: مخاطبه با سوره الرحمن

مخاطبه با آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»			
دوره تاریخی	شیعه	سنی	زیدی
قرن ۱ تا ۵	۰	۳	۰
قرن ۶ تا ۱۰	۱۰	۹	۰
۱۱ تا ۱۵	۱۷	۱۵	۱
جمع	۲۷	۲۷	۱

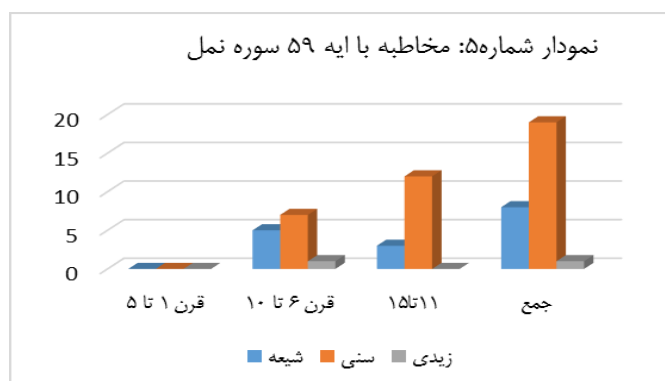


۵. مخاطبه با آیه «قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ»

آخرین نمونه‌ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد مخاطبه با آیه ۵۹ سوره نمل است. این آیه از جمله آیاتی است که با خطاب «قل» شروع شده است. چنانچه پیش از این هم اشاره شده، مخاطبه امر قل در سوره‌های معوذات به عنوان سنتی فراگیر در میان اهل بیت(ع) رایج بوده و امامان معصوم(ع)، اصحاب و یاران خویش را نیز توصیه به چنین مخاطبه‌ای کرده‌اند. در آیه ۵۹ سوره نمل طبق سیره معصومین(ع) مخاطبه با بیان عبارت «اللَّهُ خَيْرٌ اللهُ أَكْبَرُ» صورت می‌پذیرد. اما چنین مخاطبه‌ای در هیچ یک از تفاسیر شیعه و اهل سنت در قرون اول تا پنجم وارد نشده است. در تفاسیر قرون ۶ تا ۱۰، تعداد ۵ تفسیر شیعه، ۷ تفسیر اهل سنت و یک تفسیر زیدی چنین مخاطبه‌ای را ذیل بیان تفسیری خود آورده‌اند. سه تفسیر شیعه و ۱۲ شیعه اهل سنت نیز در قرون ۱۱ تا ۱۵ مخاطبه با آیه ۵۹ سوره نمل را مورد اشاره قرار داده‌اند.

جدول شماره ۵: مخاطبه با آیه ۵۹ سوره نمل

مخاطبه با آیه «قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ»			
دوره تاریخی	شیعه	سنی	زیدی
قرن ۱ تا ۵	۰	۰	۰
قرن ۶ تا ۱۰	۵	۷	۱
۱۱ تا ۱۵	۳	۱۲	۰
جمع	۸	۱۹	۱



با تجميع آمار و اطلاعات این پنج جدول، در یک جمع‌بندی می‌توان بیان کرد که در مجموع ۱۰۵ مورد از مخاطبه‌ها به میزان ۵۱/۲۱ درصد در تفاسیر شیعه، ۹۶ مورد به میزان ۴۶/۸۲ درصد در تفاسیر اهل سنت و ۴ مورد به میزان ۱/۹۵ درصد در تفاسیر زیدی مورد اشاره قرار گرفته است. این بررسی حاکی از آن است که بیش‌ترین تعداد مخاطبه‌ها در تفاسیر قرون ۱۱ تا ۱۵ و کم‌ترین آن در تفاسیر پنج قرن نخست آمده است. البته باید توجه داشت که تعداد تفاسیر این دوره بیش‌تر از دوره تاریخی قبلی است. همچنین در بررسی متن اصلی تفاسیر مشخص شد که اغلب تفاسیر قرون اخیر با استفاده از تفاسیر دوره‌های قبل و با استناد به آن‌ها به ذکر مخاطبه‌ها پرداخته‌اند.

نمونه‌هایی از مخاطبه با کلام الله در قرآن

در این بخش به بیان نمونه‌هایی از مخاطبه‌های معصومین(ع) با سوره‌های قرآن کریم خواهیم پرداخت. به منظور رعایت ایجاز و اختصار در این بخش از نقل متن و ترجمه روایات مربوطه صرف نظر کرده و تنها اسلوب‌های ماثور در مقام مخاطبه با کلام الله را در قالب جدول زیر بیان می‌کنیم:

جدول شماره ۶: نمونه‌هایی از مخاطبه با کلام الله در بیان معصومین(ع)

ردیف	آدرس آیه	بیان قرآن	مخاطبه معصوم(ع)	منبع
۱	ناس/۱	قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ	أعوذ برب الناس	الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ۴۴۴/۷
۲	فلق/۱	قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ	أعوذ برب الفلق	مجمع البیان، ۸۷۰/۱۰
۳	توحید/۱	قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ	اللَّهُ أَحَدٌ. اللَّهُ الصَّمَدُ	بحار الأنوار، ۳۰/۸۲
۴	توحید/۳ و ۴	لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ. وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.	كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي	الكافی، ۴۸۴/۳
۵	کافرون/۱	قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ	يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ	عیون أخبار الرضا، ۱۸۳/۲
۶	کافرون/۶	لَكُمْ دِينَكُمْ و لى دين	رَبِّيَ اللَّهُ وَ دِينِي الْإِسْلَامُ	عیون أخبار الرضا، ۱۸۳/۲
۷	تین/۸	أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ	بَلَى وَ نَحْنُ عَلَي ذَلِكِ	اصول کافی، ۳۲۸/۳

	مِنَ الشَّاهِدِينَ	الْحَاكِمِينَ			
٣٥٦/٦	الدَّر المنثور،	اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَ زَكَّاهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا أَنْتَ وَلِيِّهَا وَمَوْلَاهَا	و نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا. فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا	شمس/٨ و ٧	٨
١٦٥/٢	خصال،	سُبْحَانَ اللَّهِ الْأَعْلَى	سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى	اعلى/١ و سور مسبحات	٩
٢٩٦/٦	الدَّر المنثور،	آمَنَّا بِاللَّهِ	فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ	مرسلات/٥٠	١٠
٣٢٤/٢	كنز العمال،	«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بَلَى» وَ «بَلَى وَ أَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ»	أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَيَّ أَنْ يَحْيِيَ الْمَوْتَى	قيامت/٤٠	١١
١٨٣/٢	عيون أخبار الرضا،	قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِهِ وَ مِنَ التَّجَارَةِ - لِلَّذِينَ اتَّقَوْا - وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ.	قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِهِ وَ مِنَ التَّجَارَةِ وَ مِنَ الرَّازِقِينَ	جمعه/١١	١٢
٢٦٣/٢	كافي،	بل الله الزارع - بل أنت يا رب	أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ	واقعه/٦٤	١٣
٢٢٤/٩	مجمع البيان،	سبحان ربى العظيم	فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ	واقعه/٧٤ و ٩٦	١٤
٣١٥/١	من لا يحضره الفقيه،	لَا بِشَيْءٍ مِنْ أَلَايِكَ رَبِّ أَكْذَبُ	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ	الرحمن/...	١٥
١٦٥/٢	الخصال،	اللهم صلّ على محمد و آل محمد	إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ	احزاب/٥٦	١٦
١٦٢/١	تهذيب،	لَبَّيْكَ رَبَّنَا	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا	آيات متعدد در قرآن	١٧
٢٢١/١	تهذيب،	الله خير الله أكبر	قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ	نمل/٥٩	١٨

تهذیب، ۲۲۱/۱	كذب العادلون بالله	الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ	سوره انعام، آیه ۱	۱۹
تهذیب، ۲۲۱/۱	الله أكبر. الله أكبر. الله أكبر	الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا إِلَى وَ كِبْرَهُ تَكْبِيرًا	اسراء/۱۱۱	۲۰

آنچه در این پژوهش آمد، تنها نمونه‌هایی از این گونه مخاطبه‌های معصومین(ع) به هنگام قرائت سور و آیات بود. نمونه‌هایی که می‌تواند راهگشای مسیری نوین در تعامل با قرآن کریم باشد. حال که ما با چنین الگویی در مکتب اهل بیت(ع) متنعم شده‌ایم، بجاست که با بازنگری در شیوه خود، رابطه‌ای دوسویه با کلام الله برقرار کنیم تا ضمن ادای حق تلاوت آیاتش، مؤانستی حقیقی با قرآن برقرار کنیم.

نتیجه بحث

با بررسی و تأمل در زبان قرآن می‌توان دریافت که قرآن دارای ماهیت ویژه زبانی است که در سراسر آن با تعدد متکلم و مخاطب و به بیانی دیگر چرخش مخاطب مواجه هستیم. سنت و الگوی مخاطبه با کلام الله حاکی از همین ویژگی زبانی است که در سیره معصومین(ع) متجلی بوده است.

ائمه اطهار(ع) در مواجهه با قرآن به ویژه هنگام قرائت قرآن به گونه‌ای برخورد می‌کردند که گویی با انسانی در حال تخاطب و گفت‌وگو می‌باشند. لذا در مقام مخاطبه گزاره‌هایی گاه در مقام تصدیق فحوای کلام، گاه در مقام پاسخ به سؤال مطرح شده در آیه و گاه در مقام امتثال امر خداوند که در آیه بیان شده است، به زبان جاری می‌ساختند که قرائت با چنین شرایطی یکی از اساسی‌ترین ارکان قرائت ترتیل در سیره و سنت تاریخی معصومین(ع) است. در سیره معصومین(ع) مستنداتی وجود دارد که نه تنها امر به مخاطبه با کلام الله کرده‌اند بلکه در سبک و روش مخاطبه با آیات قرآن

کریم دست ما را باز گذاشته‌اند. لذا می‌توان این قبیل مخاطبه‌ها را گسترش داد و بدین سان قرائت قرآن را فعال‌تر و کاربردی‌تر ساخت.

بررسی تاریخی مخاطبه‌های وارده در تفاسیر شیعه و اهل سنت حاکی از آن است که این مخاطبه‌ها به میزان ۵۱/۲۱ درصد در تفاسیر شیعه، ۴۶/۸۲ درصد در تفاسیر اهل سنت و ۱/۹۵ درصد در تفاسیر زیدی مورد اشاره قرار گرفته است. این بررسی حاکی از آن است که بیش‌ترین تعداد مخاطبه‌ها در تفاسیر قرون ۱۱ تا ۱۵ و کم‌ترین آن در تفاسیر پنج قرن نخست آمده است. البته باید توجه داشت که تعداد تفاسیر این دوره بیش‌تر از دوره‌های تاریخی قبلی است. همچنین در بررسی متن اصلی تفاسیر مشخص شد که اغلب تفاسیر قرون اخیر با استفاده از تفاسیر دوره‌های قبل و با استناد به آن‌ها به ذکر مخاطبه‌ها پرداخته‌اند.

پیشنهادات

اکنون می‌توان نارسایی برخی از فعالیت‌های قرآنی فردی و اجتماعی را آسیب‌شناسی کرد. اینکه با وجود سازمان‌ها و مؤسسات قرآنی بی‌شماری که در کشور اسلامی به فعالیت می‌پردازند، چرا هنوز فرهنگ قرآنی در جامعه نهادینه نشده و ما شاهد بسیاری از معضلات اخلاقی هستیم. بر همگان لازم است که با تأسی از سیره و شیوه مکتب اهل بیت(ع) با قرآن به عنوان «حیّ لا یموت» مواجهه داشته و ضمن مخاطب دانستن خود در برابر قرآن به شیوه معصومین(ع) با قرآن وارد گفت‌وگو شوند تا قرآن در همه ابعاد زندگی‌شان ساری و جاری شود. چه بسا با این شیوه که مأخوذ از مکتب اهل بیت(ع) است، روح تازه‌ای در جامعه دمیده شود.

پیشنهاد می‌شود، روش مخاطبه با کلام الله به صورت آزمایشی در برخی از مؤسسات و مراکز قرآنی کشور اجرا شود. بدین منظور سور "حزب مفضّل" (سوره ق تا سوره ناس) که اغلب گزارشات روایی پیرامون مخاطبه با قرآن مربوط به این حزب می‌باشد، به عنوان جزوه آموزشی تهیه و حین آموزش قرآن از همان ابتدا قرآن‌آموز را با سبک و شیوه معصومین(ع) در مخاطبه با کلام الله را به ایشان آموزش داد.

پیشنهاد دیگر این است، پس از آموزش و تعلیم چنین سنّتی به مردم به ویژه قرآن‌آموزان با انجام نظرسنجی، تجربه‌ای را که این افراد داشته‌اند، به دست آورده و در اختیار دیگران قرار دهیم.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. ۱۴۰۵ق، **عوالی اللئالی العزیزية فی الأحادیث الدینیة**، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۶۲ش، **الخصال**، علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۷۶ش، **الأمالی**، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۷۸ش، **عیون أخبار الرضا علیه السلام**، محقق و مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۹۸ق، **توحید**، محقق و مصحح: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۴۰۶ق، **ثواب الأعمال وعقاب الأعمال**، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- ابن فارس، ابوالحسن احمد. ۱۳۸۹ق، **معجم مقاییس اللغة**، بتحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه الحلبي.
- ابن منظور، محمد بن مکرم جمال الدین. ۱۳۶۳ش، **لسان العرب**، قم: نشر ادب الحوزه.
- انوری، حسن. ۱۳۸۱ش، **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران: سخن.
- باطنی، محمد رضا. ۱۳۷۳ش، **زبان و تفکر**، تهران: فرهنگ معاصر.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. ۱۳۷۴ش، **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسه البعثة.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۲ش، **شریعت در آینه معرفت**، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۸ش، **قرآن در قرآن**، قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. ۱۳۶۳ش، **تفسیر اثنا عشری**، تهران: انتشارات میقات.
- حمیری، عبد الله بن جعفر. ۱۴۱۳ق، **قرب الإسناد**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- خمینی، سیدمصطفی. ۱۳۷۶ش، **تفسیر القرآن الکریم**، تهران: عروج.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **لغتنامه دهخدا**، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق - بیروت: دار العلم - الدار الشامیة.
- زمخشری، محمود. ۱۴۰۷ق، **الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل**، بیروت: دار الکتب العربی.

سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. ۱۴۰۶ق، **الجديد فى تفسير القرآن المجيد**، چاپ اول، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.

سيوطى، جلال الدين عبدالرحمان. ۱۳۸۶ق، **الإتقان فى علوم القرآن**، بيروت: المكتبة التجارية الكبرى.

سيوطى، جلال الدين. ۱۴۰۴ق، **الدر المنثور فى تفسير المأثور**، قم: كتابخانه آية الله مرعشى نجفى.

شيرازى، صدر الدين. ۱۳۷۱ش، **مفاتيح الغيب**، ترجمه و تعليق محمد خواجوى، تهران: مولى.

صفى عlishاه، حسن بن محمدباقر. ۱۳۷۸ش، **تفسير صفى**، تهران: انتشارات منوچهرى.

طباطبايى، محمدحسين. ۱۳۷۴ش، **قرآن در اسلام**، قم: دفتر انتشارات اسلامى.

طباطبايى، محمدحسين. ۱۳۸۵ش، **الميزان فى تفسير القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسین حوزه علميه قم.

طبرسى، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البيان فى تفسير القرآن**، تهران: ناصرخسرو.

طوسى، محمد بن الحسن. ۱۴۰۷ق، **تهذيب الأحكام**، تهران: دار الكتب الإسلاميه.

عميد، حسن. ۱۳۹۰ش، **فرهنگ فارسى عميد**، تهران: اشجع.

عياشى، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰ق، **تفسير العياشى**، محقق و مصحح: سيد هاشم رسولى محلاتى، تهران: المطبعة العلمية.

فراهيدى، خليل بن احمد. ۱۴۱۰ق، **كتاب العين**، قم: هجرت.

قرشى، سيد على اكبر. ۱۳۵۳ش، **قاموس قرآن**، قم: دار الكتب الاسلاميه.

قيطورى، عامر. ۱۳۸۲ش، **قرآن و ساختشكنى و بازگشت نشانه**، تهران: كتاب طه.

كلينى، محمد بن يعقوب. ۱۴۰۷ق، **الكافى**، محقق و مصحح: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران: دار الكتب الإسلاميه.

لسانى فشاركى، محمدعلى و حسين مرادى زنجانى. ۱۳۹۲ش، **درآمدى بر مطالعات قرآنى در سيره نبوى**، قم: نسايج.

متقى هندی. ۱۴۰۹ق، **كنز العمال**، بيروت: مؤسسة الرساله.

مجلسى، محمد باقر. ۱۳۲۶ش، **جلاء العيون**، به اهتمام حاج احمد و حاج محمود اخوان كتابچى، تهران: مطبعه اخوان كتابچى.

مجلسى، محمد باقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار(ع)**، بيروت: دار إحياء التراث العربى.

مشيرى، مهشيد. ۱۳۸۸ش، **فرهنگ زبان فارسى الفبايى - قياسى**، تهران: سروش.

مصطفوی، حسن. ۱۳۶۸ش، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی. ۱۳۸۸ش، *سیری در سیره نبوی*، تهران: صدرا.

معین، محمد. ۱۳۸۸ش، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: امیرکبیر.

مهبیار، رضا. ۱۳۷۵ش، *فرهنگ ابجدی عربی فارسی*، تهران: اسلامی.

مقالات

شریف‌زاده یزدی، فاطمه و محمد جنتی‌فر. زمستان ۱۳۹۵ش، «اشارات قرآنی (تضمین و تلمیح) در صحیفه سجادیه»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۱۳۳-۱۵۴.

رضایی اصفهانی، محمدعلی. ۱۳۸۸ش، «قرآن و زبان رمزی و تأویلی»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۵، صص ۱۳۷-۱۵۸.

Bibliography

The Holy Quran.

Ibn Abi Jomhur, Mohammad bin Zayn al-Din. 1405 AH, *Awali al-Laali al-Aziziyya Fi Al-Ahadis Al-Diniye*, Qom: Dar Sayyed al-Shuhada Lelnashr

Ibn Babuye, Muhammad ibn Ali 1983, *Al-Khasal*, Ali Akbar Ghaffari, Qom: Teachers Association.

Ibn Babuye, Muhammad ibn Ali 1997, *Al-Amali*, Tehran: Ketanchi

Ibn Babuye, Muhammad ibn Ali 1999, *Ayoun Akhbar al-Reza (as)*, researcher and editor: Mehdi Lajevardi, Tehran: Jahan Publishing.

Ibn Babuye, Muhammad ibn Ali 1398 AH, *Tawhid*, researcher and editor: Hashem Hosseini, Qom: Teachers Association.

Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali 1406 AH, *Savab Al-Amal Vaaghab Al-Amal*, Qom: Dar al-Sharif al-Razi Lelnashr

Ibn Fars, Abul Hassan Ahmad 2010, *Majam Maghaiys Al-Loghat*, researched and recorded by Abdul Salam Mohammad Haroon, Egypt: Sherka Maktaba Va Matbaa Al-Halabi

Ibn Manzur, Muhammad al-Din. 1984 *ibn Makram Jamal*, Arabic language, Qom: Publication of seminary literature.

Anwari, Hassan 2002, *Dictionary of Bozorg Sokhan*, Tehran: Sokhan.

Bateni, Mohammad Reza 1994, *Language and Thought*, Tehran: Contemporary Culture.

Bahrani, Sayyed Hashim bin Sulayman. 1995, *Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran*, Qom: Al-Ba'asa Foundation.

Javadi Amoli, Abdullah 1993, *Sharia in the Mirror of Knowledge*, Tehran: Raja Cultural Publishing Center.

Javadi Amoli, Abdullah 1999, *Quran in Quran*, Qom: Esra '.

Horr Amoli, Muhammad bin Hassan. 1409 AH, *Tafsil Vasaal Al-Shiat Ela Tahsil Masael Al-Shariya*, Qom: Al-Bait Foundation, peace be upon them.

- Hosseini Shah Abdul Azimi, Husayn ibn Ahmad. 1984, Tafsir Asna Ashari, Tehran: Miqat Publications.
- Homairi, Abdullah bin Ja'far 1413 AH, Ghorb Al-Esnad, Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them.
- Khomeini, Seyed Mustafa 1997, Tafsir Al-Quran Al-Karim, Tehran: Oruj
- Dehkhoda, Ali Akbar. 1998, Dehkhoda Dictionary, Tehran: Tehran University Publishing Institute.
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad. 1412 AH, Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, research: Safwan Adnan Davoodi, Damascus - Beirut: Dar Al-Alam - Al-Dar Al-Shamiya.
- Zamakhshari, Mahmoud 1407 AH, Al-Kashef An Haghaegh Ghavamez Al-Tanzi Vayun Al-Aghavil Fi Vojuh Al-Tavil, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Sabzevari Najafi, Muhammad ibn Habibullah. 1406 AH, New in the Interpretation of the Holy Quran, First Edition, Beirut: Dar Al-Ta'rif for Publications.
- Siouti, Jalaluddin Abdul Rahman 2007, Al-Taqaan Fi Uloom Al-Quran, Beirut: Al-Kubra Business Shool.
- Siouti, Jalaluddin 1404 AH, Al-Dur Al-Mansur Fi Tafsir Al-Mathur, Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi.
- Shirazi, Sadruddin 1992, Mafatih al-Ghayb, translated and suspended by Mohammad Khajavi, Tehran: Molly.
- Safi Alishah, Hassan bin Muhammad Baqir 1999, Tafsir Safi, Tehran: Manouchehri Publications.
- Tabatabai, Mohammad Hussein 1995, Quran in Islam, Qom: Islamic Publications Office.
- Tabatabai, Mohammad Hussein 2006, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan 1993, Al-Bayyan Assembly in the Interpretation of the Qur'an, Tehran: Naser Khosrow.
- Tusi, Muhammad ibn al-Hassan, 1407 AH, Tahzib al-Ahkam, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Amid, Hassan. 2011, Amid Persian Culture, Tehran: Ashja.
- Ayashi, Muhammad ibn Mas'ud. 2001 AH, Tafsir Al-Ayashi, researcher and editor: Seyyed Hashem Rasooli Mahallati, Tehran: Scientific Press.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. 1410 AH, Ketab al-Ain, Qom: Hejrat.
- Ghorashi, Seyed Ali Akbar 1974, Quran Dictionary, Qom: Dar Al-Kotob Al-Islamiya
- Qeytouri, Amer. 2003, Quran and deconstruction and return of signs, Tehran: Taha book.
- Kelini, Muhammad ibn Ya'qub. 1407 AH, Al-Kafi, researcher and editor: Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi, Tehran: Islamic Books House.
- Lesani Fesharaki, Mohammad Ali and Hossein Moradi Zanjani. 2013, an introduction to Quranic studies in the Prophetic tradition, Qom: Nasayeh
- Mottaqi Hendi. 1409 AH, Kenz al-Amal, Beirut: Al-Risalah Foundation.
- Majlesi, Mohammad Baqir 1947, Jala 'al-Oyun, by Haj Ahmad and Haj Mahmoud Akhavan Katabchi, Tehran: Akhavan Katabchi Press.
- Majlesi, Mohammad Baqir 1403 AH, Behar Al-Anwar Al-Jame'a Ledor Akhbar Al-Aemma Al-Athar (AS), Beirut: Dar Ehyaa Al-Taras Al-Arabi.
- Moshiri, Mahshid. 2009, Dictionary of Persian Alphabetical-Comparative Language, Tehran: Soroush.
- Mustafavi, Hassan 1989, Research in the words of the Holy Quran, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Motahari, Morteza 2009, Viewing Prophetic biography, Tehran: Sadra.

Moein, Mohammad 2009, Moein Persian Culture, Tehran: Amirkabir.

Mahyar, Reza 1996, Persian Arabic Arabic alphabet, Tehran: Islami.

Articles

Sharifzadeh Yazdi, Fatemeh and Mohammad Jannatifar. Winter 2016, "Quranic references (guarantee and hint) in Sahifa Sajjadih", Quarterly Journal of Quranic Studies, seventh year, No. 28, pp. 133-154.

Rezaei Isfahani, Mohammad Ali 2009, "The Qur'an and Coding and Interpreting Language", Journal of Science and Knowledge of the Holy Quran, No. 5, pp. 137-158.

Addressing with the word of God; Pattern of interaction with the Qur'an in the expression of the Infallibles

Hossein Rahmanizadeh

PhD student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities and Arts, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan

Hossein Moradi Zanjani

Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities and Arts, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan

Mohammad Hossein Saebi

Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Humanities and Arts, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan

Farhad Idrisi

Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Humanities and Arts, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan

Abstract

Qur'an has a special linguistic nature, throughout which we encounter the multiplicity of speakers and the audience, in other words, the rotation and failure of the audience. The tradition and pattern of "addressing the word of God" indicates the same linguistic feature that has been manifested in the life of Infallibles. During the recitation, the Infallibles (AS) established a two-way relationship with the Qur'an and uttered phrases in the position of dialogue with the Qur'an. For example, the Amir al-Mu'menin (AS) after reciting the verse "Sabbah Esm Rabbak Al-Ala" said:"Sobhana Rabbi Al-Ala". This study, by examining the historical course and extraction and typology of such propositions, tries to achieve a comprehensive and documented model to the conduct of the Imams (AS) in interaction with the Qur'an. In this research, which has been done by analytical-descriptive method, it is clear that the addressees of the Ahl al-Bayt (AS) to the Qur'an were sometimes verbal and sometimes non-verbal. His theological addressees were sometimes taken from Quranic expressions and sometimes without using them.

Keywords: Address, Addressee, Language of Quran, Word of God, Interpretations.